

ع

نگرانی‌های امام علی (ع) برداشت‌های گوناگون از قرآن

سید محمد ابراهیم حسینی
کارشناس سازمان تبلیغات اسلامی

مقدمه

تبعیت از کتابی که همه‌ی هدایت‌ها در آن است و به آن ختم می‌شود و هرگونه فاصله و جدایی از آن، به انحراف بشر می‌انجامد. کتابی که به فرموده‌ی امام علی (ع) این صفات و ویژگی‌ها را دارد:

«کتاب الله تبصرون به و تتلقون به و تسمعون به و ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض و لا یختلف فی الله و لا یخالف بصاحبه عن الله» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۳].

ترجمه: این کتاب خداست که به وسیله‌ی آن می‌بینید، می‌گویید و

«قال الله تعالی: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا» [اسراء/۹].

قرآن، کتاب هدایت و طریق معرفت الهی است و بر همگان لازم است که از آن تبعیت کنند و با ایمان راسخ و به کار بستن دستورات آن، به هدایت واقعی دست یابند، هدایت و تسلیمی فارغ از تخطئه‌ی نفس و شیطان رجیم، تا در فهم و درک معنای قرآن به اشتباه نیفتند و از حقیقت آن دور نگردند.

می شنوید. برخی آیات آن، آیات دیگر را تفسیر می کنند و برخی از آن ها به برخی دیگر شهادت می دهند. در مکتب قرآن هیچ اختلافی در دین خدا به وجود نخواهد آمد و قرآن هم نشین و هم دم خود را از خدا و دین خدا جدا و گمراه و منحرف نخواهد ساخت.

اگر چنین اعتقادی نسبت به قرآن در انسان حاکم باشد، هیچ گاه در مسیر شناخت آن به بی راهه کشیده نمی شود. و به سمت اختلاف انگیزی روی نمی آورد. از هر گونه پیشداوری پیرامون آیات آن تحت عنوان اندیشه های نوین یا برداشت ها و قرائت های مختلف از قرآن، یا تبعیت از چنین منحرفان و فتنه انگیزانی، مصون و در امان می ماند. بر این اساس، امام علی (ع) در خطبه ای بعد از خیر دادن از احوال قیامت و تأثیر اعمال دنیا بر آخرت انسان، همه را به پیروی از قرآن و هدایت یابی از آن به عنوان برترین راه سعادت و نجات بشر، دعوت می کند و می فرماید:

«فكونوا من حرثه و اتباعه و استدلوه علی ربکم و استنصحوه علی انفسکم و ائتموا علیه آرائکم و استغشوا فیه اھوائکم» [نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۵].

ترجمه: همواره از کشت کنندگان و پیروان قرآن باشید و آن را دلیل و گواه بر پروردگار خود قرار دهید (یعنی خدا را از کلامش در قرآن بشناسید). قرآن را به عنوان ناصح امین و دلسوز و آگاه خود برگزینید و آن گاه که در مقام فهم و تفسیر قرآن برمی آید، پیشداوری ها را پیرامون آن تحوطه کنید و آرای شخصی بر گرفته از هوای نفس را

درباره ی آن کنار بگذارید.

و این مسأله، یعنی همان پیشداوری ها پیرامون تفسیر قرآن، آن هم بر اساس هواهای نفسانی، مسأله ای است که امام علی (ع) بارها نسبت به آن ابراز نگرانی کرده و در خطبه های گوناگون به صراحت نسبت به این فتنه به مسلمانان هشدار داده، و به ارائه ی راهکارها در جهت دور ماندن اذهان از این انحرافات پرداخته است. این مقاله بر آن است که به بررسی و انعکاس گوشه ای از این نگرانی ها و پیشگوئی ها و راهکارهای پیشگیرانه از این فتنه ی برخاسته در عصر و زمان کنونی - که به قرائن مذکور آخر الزمان است - که در آن اندیشه های مسموم و انحرافی با سلاح واژه های دینی، حتی از متن قرآن، تحت عنوان قرائت ها و برداشت های مختلف، ملاک تصمیم گیری مردم می شود، بپردازد.

تاکنون این گونه بوده است که دو نوع برداشت از قرآن، یکی مبتنی بر روحیه ی تسلیم، و دیگری متأثر از خواسته های نفسانی، در میان مسلمانان رواج داشته است و مسلمانان خواسته یا ناخواسته، به سراغ تفاسیر قرآن بر اساس یکی از این دو مبنا می رفتند. در این میان، مسلمانان واقعی بر مبنای روحیه ی تسلیم، تنها بر اساس علم و مبتنی بر حالت تسلیم نسبت به صاحبان اصلی علم و عالمان بر حق اسرار و مفسر قرآن، یعنی اهل بیت (ع)، به آن روی آوردند و گروهی غالباً بر اساس جهل و یا دشمنی با دین و قرآن، صرفاً بر پایه ی علوم مادی و برداشت های

نفسانی و قرائت های مختلف، با قطع نظر از سرچشمه های علوم ازلی ائمه (ع) که منابع اصلی فیض هستند، وارد عرصه ی تفسیر و تعبیر آیات قرآن شدند. بدیهی است، چنین فرضی، یعنی پیشداوری در فضای تفسیر قرآن، دیگر ضمانتی برای فهم درست و صحیح از آن باقی نخواهد ماند. و هم به طور طبیعی، زمینه برای سوء برداشت و انحراف از حق آیات گسترش خواهد یافت. و این همان چیزی است که امام علی (ع) نسبت به وقوع آن در آخر الزمان، هشدار می دهد و پیرامون آن به درگاه خدا شکوه می برد و می فرماید: «الی اللہ اشکو من معشر یعیشون جهالاً و یموتون ضلالاً و لیس فیهم سلعة ابور من الکتاب إذا اتلی حق تلاوته لا سلعة انفق بیعاً و لا اغلی ثمناً من الکتاب اذا حُرّف عن مواضعه» [نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷].

ترجمه: از جمعیتی که در آخر الزمان در جهالت زندگی خواهند کرد و در ضلالت به سر خواهند برد، نزد خدا شکوه می برم؛ جمعیتی که اگر قرآن بین آن ها به حق تفسیر شود، کم ترین و بی مشتری ترین متاع خواهد بود، اما اگر تفسیر به رأی شود و از مواضع واقعی خود تحریف گردد، از گران بهاترین اشیا خواهد شد.

با توجه به پیش بینی های امام علی (ع) در مورد وقوع چنین فتنه هایی، امروزه شاهدیم که قرائت های مختلف از دین، با برداشت های ناصواب از متن قرآن، توسط افراد مختلف با سلیقه های مختلف بیداد می کند. چنان که در



سایت‌ها، کتاب‌ها و مقالات گوناگون، مطالبی پراکنده تحت عنوان آزادی بیان و اندیشه‌ها و برداشت‌های جدید از متن دین، در جهت انحراف اذهان مردم، بسیار به چشم می‌خورد. در این میان، ناهلان از آیات قرآن بهره‌های ناصواب بسیاری در جهت القای دیدگاه‌ها و اغراض شخصی خود و نیز گمراه کردن مسلمانان برده‌اند. به عنوان نمونه، ببینید که در این چند سال چه قدر از آیه‌ی «لا اکراه فی الدین» و مانند آن، تعابیر و تفاسیر مختلف و از آیات احکام و حجاب، چه برداشت‌های غرض‌آلودی شده است؟!

این حربه در صدر اسلام هم توسط خوارج و اهل جدک برای به کرسی نشاندن دیدگاه‌های سوچ و بی‌محتوایشان، دنبال می‌شد؛ چنان‌که آن‌ها را به رویارویی با مفسر کبیر قرآن و حافظ اسرار نزول وحی، امام علی (ع)، کشانید و با قرآن بر سر نیزه کردن، دل او را خون و یارانش را به شکست ظاهری واداشتند. و این نگرانی به حدی بود که حضرت خطاب به ابن عباس، آن‌گاه که او را برای احتجاج به نزد خوارج فرستاد، چنین مرقوم فرمود: «لاتخاصمهم بالقرآن فان القرآن حمال ذو وجوه تقول و یقولون و لکن حاججهم بالسنة فانهم لن یجدوا عنها محیصاً» [نهج البلاغه، نامه‌ی ۱۷۷].

ترجمه: با ایشان به قرآن مناظره مکن؛ زیرا قرآن احتمالات و توجیحات بسیار از تأویل و تفسیر و مراد باطنی و ظاهری دربردارد. یکی از آن‌ها را تو می‌گویی و دیگری را

ایشان

می‌گویند؛ پس

مباحثه دراز می‌شود. بلکه

با آنان به سنت (فرمایش‌های

پیغمبر اکرم) سخن بگو و دلیل بیاور،

زیرا آن‌ها هرگز از استدلال سنت

گریزگاهی نمی‌یابند و چاره‌ای جز

پذیرش راستی این گفتار ندارند.

حضرت در این نامه از ابن عباس

خواست که با خوارج، از سنت

پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) سخن

بگوید تا آن‌ها حجتی راسخ‌تر و

روشن‌تر از آن نیابند. آن وقت است

که مطمئناً به راه روشن هدایت نیز

دست خواهند یافت. چراکه قرآن

دارای وجوه و ابعاد متفاوت و نیز از

مشابهات و محکمات برخوردار

است و همین دو وجوه بودن قرآن

باعث می‌شود که ناهلان و

مغرضان، بدون توجه به شأن نزول

و تفسیر و تعبیر آیات، پا در حریم آن

بگذارند و به بهره‌برداری از آیات

قرآن، بر اساس اغراض و

دیدگاه‌های نفسانی خود پردازند.

علاوه بر این، به دلیل عدم آگاهی و

شناخت برخی از مسلمانان نسبت به

کنه معنای آیات، از مشابهات بهره

می‌برند. قرآن کریم چه زیبا به بیان

این مسأله و نگرانی شدید از احتمال

سوء استفاده‌ی فتنه‌گران از مشابهات

قرآن می‌پردازد و می‌فرماید:

«هو الذی انزل علیک الكتاب منه آیات

محکمات هن ام الكتاب و اخر

متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ

فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و

ابتغاء تأویله و ما یعلم تأویله الا الله و

الرأسخون فی العلم یقولون آمنا به کل

من عند ربنا و ما یذکر الا اولو الالباب»

**ناهلان از آیات
قرآن بهره‌های
ناصواب بسیاری در
جهت القای
دیدگاه‌ها و اغراض
شخصی خود و گمراه
کردن مسلمانان
برده‌اند**

[آل عمران/۷].

ترجمه: اوست خدایی که قرآن را به سوی تو فرستاد که برخی از آن کتاب، آیات محکم است که آن‌ها اصل و مرجع سایر آیات خواهد بود، و برخی دیگر آیاتی متشابه است (که به سهولت درک معنی از آن نشود) تا آن که آن‌هایی که در دلشان میل به باطل است، از پی متشابه رفته تا به تأویل کردن آن، شبهه و فتنه‌گری پدید آورند؛ در صورتی که تأویل آن را جز خدا نمی‌داند و اهل دانش گویند، ما به همه‌ی آن کتاب گرویدیم که همه‌ی آیات (محکم و متشابه آن) از جانب خدا آمده و به این دانش راه نبرند جز خردمندان (الهی قمشه‌ای).

آن‌ها با مهارتی که در نحوه‌ی بیان و قلم‌فرسایی به خرج می‌دهند و از جدل‌های علمی که به انزوای شیطانی کشیده شده‌اند، بهره می‌برند، می‌توانند به راحتی به گمراه‌سازی مخاطبان عوام خود پردازند و با امتزاج حق و باطل، قدرت شناخت و تشخیص و تمییز حق از باطل را از مسلمانان حداقل از گروه عوام و ناآگاهش - به متون غنی و اصیل دینی و حقیقت معنای قرآن، بگیرند. امام علی(ع) در این باره مخصوصاً ابراز نگرانی کرده و فرموده است: «فلو أن الباطل خلس من مزاج الحق لم يخف على المرتادين و لو أن الحق خلس من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين و لكن يؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فيمزعج فنهالك يستولي الشيطان على أوليائه و ينجوا الذين

سبقت لهم من الله الحسنی

[نهج البلاغه، خطبه ی ۵۰].

ترجمه: آنچه سبب فساد و فتنه می‌شود، پیروی از خواهش‌های نفسانی است و احکامی که بر خلاف شرع صادر می‌گردد. کتاب خدا با آن خواهش‌ها و حکم‌ها مخالف است. همچنین از اسباب فتنه و فساد آن است که گروهی از مردم از خواهش‌ها و حکم‌های بر خلاف دین پیروی می‌کنند (چون حق و باطل را در هم می‌آمیزند، فتنه و فساد ظاهر می‌شود). پس اگر باطل با حق در هم نمی‌شد، راه حق بر خود آن‌ها پوشیده نمی‌گردید و اگر حق در میان باطل پنهان نمی‌بود، دشمنان هرگز نمی‌توانستند از آن بدگویی کنند. ولیکن چون قسمتی از حق را قسمتی از باطل فرا گرفته، شیطان بر دوستان خود سلطه می‌یابد، برای اضلال و گمراهی فرصت به دست می‌آورد و باطل را حق جلوه می‌دهد. و کسانی که لطف خدا شامل حالشان گردیده است، از اضلال و گمراهی شیطان نجات می‌یابند و از آمیزش حق به باطل در شبهه نمی‌افتند.

امام علی(ع) کسانی را که در صدد تحریف حقایق دین و محاجه با آیات قرآن و تصرف در مفاهیم بلند و آسمانی آن برآمده و با جادوی سخن و قدرت شیطانی خود، به گمراهی مردم و انحراف نسل‌ها پرداخته‌اند، جاهلان عالم‌نما و فرزند ضلالت خوانده است و می‌فرماید: «و آخر قد تسمى عالماً و ليس به فاقبس جهائل من جهال و اضلال من ضلال و نصب للناس اشراكاً من جهائل غرور و قول زور قد حمل الكتاب على آرائه و عطف الحق على

اهوائه» [نهج البلاغه/خطبه ۸۶].

ترجمه: از میان بندگان، کسی است که خود را دانشمند نامد، در صورتی که از دانش بهره‌ای ندارد. پس از نادانان نادانی‌ها و از گمراهان گمراهی‌ها را فوا گرفته و بر سر راه مردم دام‌های فریب گسترده و سخنان باطل گویند و کتاب خدا را به رأی خود تفسیر کند و حقیقت را به مقتضای هوای خویش به این سو و آن سو متمایل سازد.

تکلیف ما چیست؟

۱. از تبعیت و فرمانبرداری از قرآن لحظه‌ای درنگ و عقلت نوزیم و در این توفان فتنه‌ها، ذره‌ای از حریم قرآن فاصله نگیریم و در این بحبوحه‌ی بلا آبدیده و مستحکم‌تر شویم. امام علی(ع) از چنین راسخیت و استواری تقدیر می‌کند و از چنین گروهی به عنوان الگو و نماد حرکت جامعه در کنار قرآن نام می‌برد می‌فرماید: «ثم ليشحذن فيها قوم شحذ اليقين النصّل تجلّي بالتنزيل ابصارهم ويرمي بالتفسير في مسامعهم و يقبون كأس الحكمة بعد الصبوح» [نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۰].

ترجمه: پس گروهی در آن فتنه‌ها (در آخر الزمان) صیقلی می‌شوند، مانند صیقل دادن آهنگر شمشیر را. دیدگان‌شان با نور قرآن جلا می‌یابد و در گوش‌هایشان، تفسیر حق طنین می‌افکند و شامگاهان در پی بامدادان، جام‌های حکمت را سر می‌کشند.

مؤمن متابع قرآن، هیچ‌گاه در بحران جهل و گمراهی خود را نمی‌بازد و بر اساس همان روح

متابعت از قرآن، به دنبال درک تفسیر حقیقی آن از صاحبان علم و عالمان حقیقی، به اقتباس از سرچشمه‌های علوم اهل بیت می‌رود تا اندیشه‌های کاذب و تفسیرهای برگرفته از هواها، او را به انحراف نکشاند. بنابراین، وظیفه‌ی اہم هر مسلمان، آن هم در آخر الزمان، این است که به دنبال علوم حقیقی و تفسیر واقعی قرآن بگردد و از مفاهیم بلند و اندیشه‌های ناب و زلال آن، به کمک علمایی که معصومین و متابع و واسطه‌ی علوم اهل بیت هستند، بهره‌مند و سیراب شود؛ چنان‌که امام علی (ع) در این باره تأکید و اصرار می‌ورزد:

فاین تذهبون و آتی توفکون و الاعلام قائمة و الآيات واضحة والمنار منصوبة فاین تياه بکم و کیف تعمهون . [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۶].

ترجمه: بعد از روشن شدن حق و باطل و شناختن طرفداران هر یک، و در حالی که پرچم‌های حق برپاست و نشانه‌های آن آشکار و هویدا است، به کجا می‌روید؟ چرا در حالی که صراط مستقیم هدایت و عترت پیامبر در میان شماست و می‌توانید از انوار هدایت ائمه هدایت شوید، خود را از علوم اهل بیت محروم کرده‌اید و حیران و سرگردانید؟

۲. نسبت به شناخت منحرفان و شناساندن آن‌ها به یکدیگر بکوشیم تا راه ضلال از هدایت را بیابیم. این مسأله در زمان کنونی از حساسیت و اہلیت والایی برخوردار است؛ چنان‌که امام علی (ع) در گوشه‌ای از همان نگرانی‌ها خطاب به مسلمانان می‌فرماید که در کنار دریافت علم تفسیر و شناخت مفاهیم بلند قرآن از

اهل قرآن، به شناخت افکار انحرافی و نقشه‌های کج اندیشان خودرأی در تفسیر قرآن، و شناساندن آن‌ها به دیگران نیز بکوشند؛ چنان‌که فرمود: «واعلموا انکم لن تعرفوا الرشذ حتی تعرفوا الذی ترکه و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذہ فالتمسوا ذلک من عند اهلہ فانہم عیش العلم و موت الجهل» [نهج البلاغه/۱۴۷].

ترجمه: بدانید که شما هرگز راه هدایت را نخواهید یافت، مگر آن‌که مخالفان طریق، یعنی کسانی را که راه هدایت الهی را رها کرده‌اند، بشناسید. و هرگز به پیمان الهی که همان قرآن است، پایبند نمی‌شوید، مگر آن‌که پیمان‌شکنان این طریق را به خوبی بشناسید و هرگز از متمسکان به جبل‌المتین نخواهید بود، مگر آن‌که کسانی را که قرآن را کنار گذاشته‌اند، بشناسید. بنابراین باید تفسیر قرآن را از اهلش، یعنی اهل بیت (ع) فرا بگیرید؛ زیرا آن‌ها نور قرآن هستند و می‌توانند علوم قرآن را زنده نگه دارند و جهل و نادانی و کج‌اندیشی را بمیرانند.

۳. از تبعیت هوای نفس در تفسیر قرآن و پذیرش تفاسیر برگرفته از هواهای نفسانی پرهیز کنیم؛ چراکه همه‌ی فتنه‌های عالم از هوای نفس نشأت می‌گیرند. چنان‌که در ابتدای مقاله گفته شد، تفسیر قرآن در طول تاریخ یا بر اساس تبعیت از نفس بوده و یا فرمانبرداری بر مبنای پیروی از عقل و اندیشه و علم رهروان طریق، یعنی ائمه‌ی اطهار (ع) که واسطه‌های فیض و علوم و اسرار الهی هستند، و نیز

رهروان طریق، یعنی علمای وارسته. در این مقال، تحت عنوان نتیجه‌ی بحث باید گفته شود که هرگونه تفسیر و برداشت از متن قرآن، تنها بر اساس مبنای اخیر، یعنی همان بهره‌برداری از خزائن علوم اهل بیت صحیح و قابل تبعیت است که همین مبنای در طول تاریخ، ضامن بقای قرآن و حفظ و انتشار مفهوم والای آن بوده است. حال تشخیص مرز و مدار نفسانی بودن برداشت از قرآن، و یا صحیح بودن آن بر اساس گفتار ائمه (ع)، به عهده‌ی جوینده‌ی طریق است که آن را با متون روایی اهل بیت (ع) و تفاسیر برتر شیعی بسنجد، و آن‌گاه به تبعیت از آن بپردازد. به فرموده‌ی خود اهل بیت (ع)، هر نوع گفتاری که با مکتب، اندیشه و نوشتار آن‌ها سنخیت ندارد، نقش بود بر دیوار (فاضربوه علی الجدار).

اصل فتنه از این جا شروع می‌شود که بدون شناخت و تطبیق متون، به سراغ هر نوع برداشت و گفتار و نوشتاری پیرامون آیات قرآن تحت عنوان برداشت‌ها یا قرائت‌های مختلف از دین و قرآن، برویم و از مبادی فتنه، یعنی همان نفس تبعیت کنیم؛ چنان‌که امام علی (ع)، همین مسأله را به عنوان مبنای فتنه و کج‌فهمی و انحراف در جامعه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إنما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبذرع». [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۰].

ترجمه: آنچه از نظر روحی زمینه‌ی چنین انحرافی را در انسان فراهم می‌کند و ریشه‌ی فتنه شناخته می‌شود، عبارت است از هواهای

نفسانی.

پس از تفسیر قرآن، باید به نص صریح از اهل بیت (ع) دست یافت و در صورت نیافتن نص، باید گفته‌ها و نوشته‌ها را با اندیشه و مکتب اهل بیت (ع) ستجید تا به اصل و حقیقت معنای قرآن دست یافت و از نوشتارهای انحرافی تبری جست و از تبعیت غیر حق میرا گشت؛ چراکه اهل بیت سرچشمه‌های علوم و متصل به منبع وحی و مکمل قرآن و مفسر برحق آیات آن هستند، چنان که امام علی (ع) در فرازی از خطبه، در جهت شناساندن ائمه به عنوان اولیاء الله می‌فرماید: «ان اولیاء الله هم الذین بهم علم الكتاب و به علموا و بهم قام الكتاب و به قاموا...» [نهج البلاغه، حکمت ۴۳۲].

ترجمه: دوستان خدا و اهل بیت، کسانی هستند که قرآن به کمک آن‌ها فهمیده می‌شود و آن‌ها نیز به یاری قرآن شناخته می‌شوند و قرآن به کمک آن‌ها برپاست؛ همان‌گونه که آن‌ها به کمک قرآن در همه‌ی زمان‌ها و در همه‌ی هستی پابرجایند.

بر این اساس، یکی از اقدامات بزرگ و اولیه‌ی امام زمان (عج) بعد از ظهور آن حضرت، اصلاح و هدایت باورها و اندیشه‌های منحرف مردم از متن قرآن به اصل و حقیقت آن خواهد بود؛ چنان که امام علی (ع) درباره‌ی هدف‌های والای ظهور امام زمان (عج) می‌فرماید: «... يعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی و يعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی...» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۸].

ترجمه: ... آن حضرت، مردم را

که از مسیر نورانی انبیا منحرف شده و از هوی پیروی کرده‌اند، به سوی اهل بیت برمی‌گرداند و آرا و نظریات مخالف قرآن را به سوی قرآن برمی‌گرداند؛ آن هنگام که مردم قرآن را به آرا و نظریات خود تعبیر می‌کنند... نتیجه

«وانه سیأنی علیکم من بعدنی زمان لیس فیه شیء اخصی من الحق و لا اظهر من الباطل و لا اکثر من الکذب علی الله و رسوله و لیس عند اهل ذلک الزمان سلعة ابرور من الكتاب اذا تلی حق تلاوته و لا انفق منه اذا حرف عن مواضعه و لا فی البلاد شیء انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر فقد نبذ الكتاب حملته و تناساه حفظته فالكتاب یومئذ و اهله طریدان منفیان و صاحبان مصطحبان فی طریق واحد لا یؤویهما مؤوؤ فالكتاب و اهله فی ذلک الزمان فی الناس و لیسافیهم و معهم و لیسامعهم لان الضلالة لا توافق الهدی و ان اجتماعا فاجتمع القوم علی الفرقة و افترقوا علی الجماعة کانهم ائمة الكتاب و لیس الكتاب امامهم» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۷].

ترجمه: زود است که بعد از من بر شما روزگاری بیاید که چیزی در آن پنهان‌تر از حق و درستی، و آشکارتر از باطل و نادرستی و بیش‌تر از دروغ‌بستن بر خدا و رسول نباشد. و نزد مردم آن زمان، کالایی بی‌قدرتر از قرآن که از روی حق و راستی خوانده شود (به جهت تأویل و تفسیر)، نیست، و رایج‌تر از آن، هرگاه در معانی آن تحریف و تغییر دهند (از روی هوای نفس یا اغراض

باطله تطبیق دهند).

و در شهرها، چیزی زشت‌تر از کار شایسته و زیباتر از کار بد نیست. پس حاملان قرآن (کسانی که با آن آشنایی دارند) نسبت به آن بی‌اعتنا هستند و حافظانش در موقع عمل آن را از یاد می‌برند. قرآن و اهل آن، یعنی ائمه‌ی هدی و پیروان در آن روز دور انداخته شده‌اند و در میان جمعی نیستند؛ زیرا مردم در گرایش به باطل و دوری از حق، آن‌ها را از خود طرد می‌کنند و این هر دو با هم در یک راه هستند؛ یعنی به دستور قرآن عمل نمی‌کنند. و کسی در آن روزگار قرآن و اهلش را احترام نکند و نزد خود نگه ندارد؛ چون با هوای نفس ایشان سازگار نیستند. پس قرآن و اهل قرآن، اگر چه به ظاهر در میان مردم هستند، اما در حقیقت، ایشان نیستند، زیرا ضلالت و گمراهی با هدایت و رستگاری مطابقت ندارد؛ اگر چه در یک جا با هم گرد آیند. پس آن مردم گمراه دست به دست هم می‌دهند نیز جدایی از قرآن، و نیز اکتفا می‌شوند از جماعت پیروان، و این مانند آفتی است که ایشان پیشوایان قرآن هستند، زیرا طبق اغراض باطل و اندیشه‌های نادرست قرآن را تفسیر می‌کنند؛ در حالی که قرآن پیشوای آن‌ها نیست!

۱. در این باره، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن»